



تقریر درس خارج فقه الزکاة آیت الله اراکی دامت برکاته

مقرر	حجت الاسلام	قادر بریسم	جلسه	۴۶	تاریخ	۱۴۰۴ / ۱۱ / ۱۹
عنوان ۱	فقه الزکاة الخاص					
عنوان ۲	زکات الأموال					
عنوان ۳	متعلقات زکات (ما تجب فيه الزکاة)					
عنوان ۴	مبحث اول: انحصار یا عدم انحصار وجوب در خصال تسعة ❖ حکم سلطانی و انحصار زکات در موارد نه گانه ❖ بررسی روایات متعارض در دامنه زکات ❖ وجوه جمع بین روایات (استحباب یا حکم سلطانی) ❖ نظریه مختار: حکم سلطانی در دایره عفو و وجوب					

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين

چکیده

این جلسه به بررسی دامنه شمول زکات و تعیین متعلقات آن (ما تجب فيه الزکاة) اختصاص دارد. استاد رحمته الله با طرح تعارض میان دو دسته از روایات -دسته ای که زکات را منحصر در «موارد نه گانه» دانسته و از غیر آن اعلام عفو کرده اند، و دسته ای که زکات را بر «هر آنچه از زمین می روید» یا «با پیمانه سنجیده می شود» (مانند برنج و حبوبات) واجب می دانند- به نقد راهکار مشهور فقها (حمل روایات توسعه بر استحباب) می پردازند. دیدگاه مختار استاد رحمته الله در حل این تعارض، حمل حکم بر «حکم سلطانی» است؛ بدین معنا که انحصار زکات در موارد نه گانه و عفو از سایر موارد، نه یک حکم تشریعی دائمی، بلکه حکمی حکومتی از جانب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام بوده که متناسب با نیاز جامعه و شرایط زمان صادر می شده است. از این رو، تعبیر «جعل» در برخی روایات دال بر الزام است و تغییر دایره زکات در زمان های مختلف، ناشی از اختیارات حاکم اسلامی در تعیین مصادیق، بر اساس نیازهای اقتصادی جامعه است.

متعلقات زکات (ما تجب فيه الزکاة)

پیش از ورود به بحث درباره متعلقات زکات یا «ما تجب فيه الزکاة»، چند بحث مقدماتی باید ارائه دهیم تا ورود روشنی به این مباحث داشته باشیم.

مبحث اول: انحصار یا عدم انحصار وجوب در خصال تسعة

مبحث اول در این است که آیا اصل وجوب زکات منحصر به این موارد است؟ یعنی اصل وجوب زکات در تشریع الهی، آیا منحصر در موارد «غلات اربعه» و «نقدین» و «انعام ثلاثه» است یا مطلب دیگری وجود دارد؟

حکم سلطانی و انحصار زکات در موارد نه گانه

گفتیم که از روایات استفاده می شود که تخصیص متعلق زکات به این موارد، با عبارت: «عفا عما سوی ذلک» در فرمایش رسول اکرم صلی الله علیه و آله آمده است. این تعبیر «عفا» ظهور در این دارد که این اختصاص زکات به موارد تسعه و عدم شمول آن نسبت به سایر موارد، حکم سلطانی است نه حکم تشریعی اولیه الهی؛ زیرا تعبیر «عفا» دارد. وقتی می گوید «عفا عما سوی ذلک»، این نشان دهنده آن است که این تشریع، تشریع سلطانی است.

وقتی این تعبیر «عفا عما سوی ذلک» را ضمیمه کنیم به اینکه حضرت امیر علیه السلام زکات را در خیل اناث در زمان خودشان واجب کردند، حکم سلطانی بودن را تقویت می کند؛ چراکه بعد حضرت امیر علیه السلام آمدند و موارد تعلق زکات را اضافه کردند.

بررسی روایات متعارض در دامنه زکات

تعدادی از روایات «عفا عما سوی ذلک» را بیان کردیم که البته خواهیم گفت که این روایات معارضاتی نیز دارد و این موارد را بحث خواهیم کرد.

❖ از جمله روایات، حدیث ششم است که شیخ کلینی از علی بن مهزیار روایت می کند، قال:

«قَرَأْتُ فِي كِتَابِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام: جُعِلَتْ فِدَاكَ رُوي عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: وَضَعَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله الزَّكَاةَ عَلَى تِسْعَةِ أَشْيَاءَ الْحِنْطَةِ وَالشَّعِيرِ وَالتَّمْرِ وَالرَّيْبِ وَالذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْغَنَمِ وَالْبَقَرِ وَالْإِبِلِ وَعَفَا رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله عَمَّا سِوَى ذَلِكَ».

علی بن مهزیار می گوید: در این نامه چنین خواندم که به حضرت نامه نوشته شده بود و امام صادق علیه السلام چنین فرموده بود: «وضع رسول الله الزكاة على تسعة اشياء وعفا عما سوى ذلك».

«فَقَالَ لَهُ الْقَائِلُ: عِنْدَنَا شَيْءٌ كَثِيرٌ يَكُونُ بِأَضْعَافِ ذَلِكَ فَقَالَ وَمَا هُوَ فَقَالَ لَهُ الْأَرَزُّ».

بعد سائل از امام صادق علیه السلام سؤال می کند: ما اموال زیادی داریم، برنج داریم، حبوبات دیگر داریم، خیلی بیشتر از این موارد مذکور، مثل برنج.

«فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: أَقُولُ لَكَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَضَعَ الزَّكَاةَ عَلَى تِسْعَةِ أَشْيَاءَ وَعَفَا عَمَّا سِوَى ذَلِكَ وَتَقُولُ عِنْدَنَا أَرَزُّو عِنْدَنَا ذُرَّةٌ وَقَدْ كَانَتْ الذَّرَّةُ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله».

در آن زمان هم ذرت بوده، اما رسول خدا صلی الله علیه و آله در ذرت زکات قرار نداده، علاوه بر این من می گویم رسول خدا صلی الله علیه و آله در نه چیز زکات واجب کرده، آن وقت تو می گویی ما برنج و ذرت هم داریم؟

نویسنده نامه به امام کاظم علیه السلام می نویسد که در کتاب عبدالله بن محمد این را خواندم که سائل از امام صادق علیه السلام سؤال کرده و امام صادق علیه السلام این طور جواب داده است. بعد امام کاظم علیه السلام تأیید می فرمایند و می فرماید:

«فَوَقَّعَ عَلَيْهِ كَذَلِكَ هُوَ الزَّكَاةُ عَلَى كُلِّ مَا كِيلَ بِالصَّاعِ»^۱؛

این روایتی که از امام صادق علیه السلام نقل شده است درست است. این دفعه امام کاظم علیه السلام در تکمله اضافه می فرماید: «وَالزَّكَاةُ عَلَى كُلِّ مَا كِيلَ بِالصَّاعِ» که این تکمله در باب نهم همین باب آمده است؛ یعنی برنج و ذرت نیز مشمول زکات می شود.

❖ روایت دوم: باز از علی بن مهزیار است:

«أَنَّ أَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَتَبَ إِلَى عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ: الزَّكَاةُ عَلَى كُلِّ مَا كِيلَ بِالصَّاعِ قَالَ: وَكَتَبَ عَبْدُ اللَّهِ وَرَوَى غَيْرُ هَذَا الرَّجُلِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ سَأَلَهُ عَنِ الْخُبُوبِ فَقَالَ: وَمَا هِيَ؟ فَقَالَ: السَّعِيسُ وَالْأَرْزُ وَالذُّخْنُ وَكُلُّ هَذَا غَلَّةٌ كَالْحِنْطَةِ وَالشَّعِيرِ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِي الْخُبُوبِ كُلِّهَا زَكَاةٌ...».

کسی که برای امام کاظم علیه السلام نامه نوشته بود که در رابطه با آن روایت از امام صادق علیه السلام سؤال کرده بود، دوباره نامه ای نوشت و در این نامه مطلب دیگری اضافه کرد. کسی که از امام صادق علیه السلام روایت کرده بود حضرت جواب فرمودند که «وضع رسول الله الزكاة على تسعة أشياء و عفا عما سوى ذلك» که امام کاظم علیه السلام تأیید کردند و اضافه فرمودند که «وَالزَّكَاةُ عَلَى كُلِّ مَا كِيلَ بِالصَّاعِ». بعد همین عبدالله از امام صادق علیه السلام سؤال می کنند که منظور از خبوب چیست؟ حضرت می فرماید مثل کنجد و برنج و ذخن (غذای دام)، و همه اینها غله هستند مثل گندم و جو. بعد حضرت یک قاعده کلی می فرمایند که «فِي الْخُبُوبِ كُلِّهَا زَكَاةٌ». مرحوم کلینی در ادامه می فرماید:

«وَرُوِيَ أَيْضًا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: كُلُّ مَا دَخَلَ الْقَفِيزَ فَهُوَ يَجْرِي مَجْرَى الْحِنْطَةِ وَالشَّعِيرِ وَالتَّمْرِ وَالتَّرْبِيبِ...»؛

یعنی هر چیزی که با پیمانه سنجیده می شود، باید زکات داده شود.

«قَالَ: فَأَخْبَرَنِي جُعِلْتُ فِدَاكَ هَلْ عَلَى هَذَا الْأَرْزِ وَمَا أَشَبَّهُهُ مِنَ الْخُبُوبِ الْحَمَصِ وَالْعَدَسِ زَكَاةٌ؟ فَوَقَّعَ عَلَيْهِ: صَدَقُوا الزَّكَاةَ فِي كُلِّ شَيْءٍ كِيلَ»^۲؛

هر چیزی که قابل کیل و پیمانه کردن است، زکات دارد.

چند روایت دیگر نیز خدمت شما خوانده شود. مرحوم کلینی روایت می کند که سند نیز صحیح است:

«قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ لَنَا رَطْبَةً وَأَرْزًا فَمَا الَّذِي عَلَيْنَا فِيهِمَا؟ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَمَّا الرَّطْبَةُ فَلَيْسَ عَلَيْكَ فِيهَا شَيْءٌ، وَأَمَّا الْأَرْزُ فَمَا سَقَتِ السَّمَاءُ الْعُشْرُ وَمَا سَقَى بِالدَّلْوِ فَنُصْفُ الْعُشْرِ مِنْ كُلِّ مَا كِلَتْ بِالصَّاعِ أَوْ قَالَ: وَكِيلَ بِالْمِكْيَالِ»^۳؛

منظور از «رطبه» همان نیشکر است که زکات ندارد؛ اما هر چیزی که با پیمانه کیل شود زکات دارد.

۱. وسائل الشیعة؛ کتاب الزکاة، ابواب ما تجب فيه الزکاة، ب ۸، ح ۶.

۲. همان؛ ب ۹، ح ۱.

۳. همان؛ ح ۲.

❖ روایت سوم از همین باب:

«عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْحَرْثِ مَا يُزَكَّى مِنْهُ؟ فَقَالَ: الْبُرُّ وَالشَّعِيرُ وَالذَّرَّةُ وَالْأَرَزُّو السُّلْتُ وَالْعَدَسُ كُلُّ هَذَا مِمَّا يُزَكَّى، وَقَالَ: كُلُّ مَا كِيلَ بِالصَّاعِ فَلَبَّغَ الْأَوْسَاقَ فَعَلَيْهِ الزَّكَاةُ»^١؛

سؤال می شود که چه چیزی از کشت باید زکات داد؟ حضرت می فرمایند چیزهایی مثل گندم و جو و برنج و ذرت و سلت (جو پوست کنده) و عدس. بعد می فرمایند: «كُلُّ مَا كِيلَ بِالصَّاعِ فَلَبَّغَ الْأَوْسَاقَ فَعَلَيْهِ الزَّكَاةُ». «الأوساق» جمع «وسق» است که وزن خاصی است، وقتی که به نصاب رسید زکات واجب می شود.

❖ روایت چهارم همین باب که شبیه روایات قبل است، عن محمد بن مسلم قال:

«سَأَلْتُهُ عَنِ الْحَرْثِ مَا يُزَكَّى مِنْهَا؟ قَالَ عليه السلام: الْبُرُّ وَالشَّعِيرُ وَالذَّرَّةُ وَالذُّخْنُ وَالْأَرَزُّو السُّلْتُ وَالْعَدَسُ وَالسِّمْسِمُ كُلُّ هَذَا يُزَكَّى وَأَشْبَاهُهُ»^٢.

❖ روایت پنجم:

«عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مِثْلَهُ وَقَالَ: كُلُّ مَا كِيلَ بِالصَّاعِ فَلَبَّغَ الْأَوْسَاقَ فَعَلَيْهِ الزَّكَاةُ، وَقَالَ: جَعَلَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله الصَّدَقَةَ فِي كُلِّ شَيْءٍ أَنْبَتِ الْأَرْضُ إِلَّا مَا كَانَ فِي الْخَضِرِ وَالْبَقُولِ وَكُلِّ شَيْءٍ يَفْسُدُ مِنْ يَوْمِهِ»^٣؛

هر چیزی که به نصاب رسید و با پیمانانه سنجیده می شود زکات دارد؛ اما چیزی که قابلیت نگهداری ندارد و زود فاسد می شوند مثل سبزیجات، زکات ندارد.

❖ روایت بعد از زراره، روایت هشتم از همین باب:

«مَا أَنْبَتِ الْأَرْضُ مِنَ الْحِنْطَةِ وَالشَّعِيرِ وَالتَّمْرِ وَالزَّرْبِ إِلَى أَنْ قَالَ وَلَيْسَ فِيمَا أَنْبَتِ الْأَرْضُ شَيْءٌ إِلَّا فِي هَذِهِ الْأَرْبَعَةِ أَشْيَاءَ»

اینجا این روایت معارضه می کند با روایاتی که قبلاً خواندیم. روایات قبل می فرمود: «كُلُّ مَا كِيلَ بِالصَّاعِ فَلَبَّغَ الْأَوْسَاقَ فَعَلَيْهِ الزَّكَاةُ»؛ اما در این روایت می گوید: «لَيْسَ فِيمَا أَنْبَتِ الْأَرْضُ شَيْءٌ إِلَّا فِي هَذِهِ الْأَرْبَعَةِ أَشْيَاءَ».

این روایت از همه قوی تر است از لحاظ انحصار. اما آن روایت اولی داشت که «عفا رسول الله عما سوى ذلك». این روایت رسماً می گوید: «لَيْسَ فِيمَا أَنْبَتِ الْأَرْضُ شَيْءٌ إِلَّا فِي هَذِهِ الْأَرْبَعَةِ أَشْيَاءَ».

❖ بعد دوباره روایت بعدی (روایت نهم باب) که هم سنداً صحیح است و هم معارض با روایات قبلی است. می فرماید که:

«لَيْسَ فِي شَيْءٍ أَنْبَتِ الْأَرْضُ مِنَ الْأَرَزُّو الذَّرَّةِ وَالْحَمَصِ وَالْعَدَسِ وَسَائِرِ الْحُبُوبِ وَالْفَوَاحِ غَيْرِ هَذِهِ الْأَرْبَعَةِ الْأَصْنَافِ وَ إِنْ كَثُرَتْ مِنْهُ زَكَاةٌ إِلَّا أَنْ يَصِيرَ مَا لَا يُبَاعُ بِذَهَبٍ أَوْ فِضَّةٍ تَكُنْزُهُ ثُمَّ يَحُولُ عَلَيْهِ الْحَوْلُ...».

١. همان؛ ح ٣.

٢. همان؛ ح ٤.

٣. همان؛ ح ٦.

ما اینجا دچار یک معارضه هستیم، یک تعارضی بین روایات وجود دارد. روایاتی که اخیراً خواندیم رسماً تصریح دارند بر اینکه «لیس فیما أنبتت الأرض غیر هذه الأربعة زكاة». روایت قبلی صریح است در اینکه «فی کل ما کیل زكاة».

وجوه جمع بین روایات (استحباب یا حکم سلطانی)

در اینجا وجه جمعی که مشهور اصحاب بین این روایات دارند، حمل بر استحباب است. یعنی روایاتی که می‌گویند «فی کل ما کیل زكاة» یا امثال این عبارات که در همه اینها زکات هست، یا «فی کل حبوب زكاة» یا «فی کلما أنبتت الأرض زكاة»، اینها را حمل بر «ما سوی الأربعة» حمل بر استحباب می‌کنند.

این یک وجه جمع است که می‌گویند: چون ما دو دسته روایت داریم، دسته‌ای می‌گویند «فیها زكاة»، دسته‌ای می‌گویند «لیس فیها زكاة». ما «فیها زكاة» را حمل می‌کنیم بر اینکه این صریح در وجوب نیست؛ بلکه ظهور در وجوب دارد. اما نظیر «لیس فیما أنبتت الأرض غیر هذه الأربعة زكاة» صریح در عدم وجوب دارد. پس ما دو دسته روایت داریم: روایاتی که می‌گویند «فی کلما کیل زكاة» که ظهور در وجوب دارد، و روایاتی که می‌گویند «لیس فیما أنبتت الأرض غیر هذه الأربعة زكاة» که نص در عدم وجوب است. نص را بر ظاهر حمل می‌کنیم. روایاتی که می‌گفتند «فی کلما کیل زكاة»، ظهور در وجوب زکات دارند. ما از این ظهور دست برمی‌داریم؛ یعنی این ظهور را حمل بر استحباب می‌کنیم. چون «فی کلما کیل زكاة» نسبت به جواز زکات نص است؛ اما ظهورش در وجوب است، ما از این ظهور دست برمی‌داریم به نفع آن روایاتی که نص در عدم وجوب هستند. این یک نوع حمل است.

نظریه مختار: حکم سلطانی در دایره عفو و وجوب

وجه جمع دیگری که به نظر ما می‌رسد، حمل بر حکم سلطانی است. یعنی می‌گوییم که از نظر حکم سلطانی، رسول اکرم صلی الله علیه و آله زکات را در خصوص تسعة اشیاء واجب کردند. به نظر ما، یک حکم اصلی وجود دارد و حالا این را بیشتر توضیح خواهیم داد.

در آیه کریمه: «... یَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوُ...»^۱ سؤال می‌کنند که چیزی در راه خدا انفاق کنند، خدای متعال می‌فرماید بگو «عفو». «عفو» یعنی چی؟ یعنی مازاد بر نیاز. به نظر می‌رسد حکم اصلی این است که خدای متعال یک محدوده وسیعی برای زکات تشریع فرموده است که «مازاد بر نیاز» باشد.

در این محدوده مازاد بر نیاز، حاکم اختیار دارد که در این محدوده مازاد بر نیاز، آنچه را که مورد نیاز زمان خودش و شرایط حاکمیتی خودش است، تعیین کند و واجب نماید و ماسوای آن را عفو کند. «عفا رسول الله عما سوی ذلک» اشاره به این مطلب دارد. از بعضی روایات استفاده می‌شود که عفو رسول الله صلی الله علیه و آله همیشگی نبوده است. خود رسول اکرم صلی الله علیه و آله نیز در بعضی از سال‌ها، غیر از این خصال تسعة، زکات گرفته است که روایت آن را خواندیم.

مثلاً این روایت صحیح زراه که حدیث ششم از باب نهم از ابواب ما یجب فیہ الزكاة است، که می‌فرماید: «كُلُّ مَا كِيلَ بِالصَّاعِ فَبَلَغَ الْأَوْسَاقُ^۲ فَعَلَيْهِ الزَّكَاةُ وَقَالَ جَعَلَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله الصَّدَقَةَ فِي كُلِّ شَيْءٍ أَنْبَتِ الْأَرْضُ إِلَّا مَا كَانَ فِي الْخَضِرِ وَالْبُقُولِ وَكُلِّ شَيْءٍ يَفْسُدُ مِنْ يَوْمِهِ».

۱. سورة بقره: ۲۱۹.

۲. نصاب معین.

این «جعل» یا «فی کل ما کیل زکاة»، نمی شود همین طور ساده حمل بر استحباب کرد. در یک روایت و دو روایت هم نیست، این تعبیر که تکرارش، آدم را مطمئن می کند که این «جعل»، یعنی الزام. «جَعَلَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الصَّدَقَةَ فِي كُلِّ شَيْءٍ أَنْبَتِ الْأَرْضُ» اگر منظور استحباب زکات بود با «جَعَلَ» تعبیر نمی کردند.

پرسشگر: [آیا الآن هم همین حکم جاری است؟]

استاد: کاری به الآن نداریم. می خواهیم ببینیم که به هر حال زکات چه جوری واجب شده و نحوه وضع زکات چه جوری است.

پرسشگر: [آیا بحث نصاب مطرح نیست؟]

استاد: نصاب که مشخص است؛ ما اصلاً در اینجا بحث نصابی نداریم. اصل اینکه رسول خدا ﷺ زکات را واجب کرده، مشخص است. نکته در این است که روایاتی که ما در باب داریم، یک دسته از روایات نشان می دهد رسول اکرم ﷺ از خصال تسعه زکات گرفته است و از غیر آنها عفو کرده اند. در دسته دیگر از روایات می فرماید در این روایت، می فرماید «جَعَلَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الصَّدَقَةَ فِي كُلِّ شَيْءٍ أَنْبَتِ الْأَرْضُ». معلوم می شود که خود رسول اکرم ﷺ نیز تفاوت رفتار داشته اند. در بعضی از سال ها احتیاج بوده، زکات را بیش از این که مورد واجب کرده است، در بعضی از سال ها این گونه نبوده. در زمان ائمه نظیر امام صادق علیه السلام شرایط متفاوت بوده است. بعضی از سال ها اگر زکات واجب می شد زکات مردم، به دست دولت می رسید و دولت ظالم بود. حضرت امام صادق علیه السلام همان کاری را کردند که رسول اکرم ﷺ کرده بودند که زکات را منحصر در خصال تسعه معرفی کردند؛ یا به زکات نیاز نبوده یا اصلاً امکان دسترسی به فقرای شیعه برای دادن این پول ها به آنها نبوده.

خود ائمه اطهار مثلاً در زمان امام کاظم علیه السلام فرمودند که مثلاً برنج هم زکات دارد. حضرت امام کاظم علیه السلام در آن روایت اول، اول فرموده امام صادق علیه السلام را که فرمود «عفا رسول الله عما سوى ذلك» تأیید می کنند، اما بعد با اینکه تأیید می کنند، در همان لحظه می فرمایند: «وَالزَّكَاةُ عَلَى كُلِّ مَا كِيلٌ بِالصَّاعِ».

پس وقتی روایات را روی هم رفته ببینیم، به این نتیجه می رسیم که مسأله، حکم سلطانی است. همان طور که مثلاً در خمس، بعضی از روایات از امام صادق علیه السلام و غیره، آمده است که خمس تحلیل شده است. امام جواد علیه السلام، این تحلیل را از بعضی از موارد خاص برداشتند؛ اما امام هادی علیه السلام همه موارد تحلیل را برداشتند. پس چه تحلیل و چه رفع تحلیل، حکم سلطانی است. به نظر ما «عفا عما سوى ذلك»، نیز عفو سلطانی است. ائمه اطهار علیه السلام بعد از حضرت رسول الله ﷺ، نیز بعضاً این عفو سلطانی را داشتند و برخی از ائمه آن را برداشته اند.

همان طور که در زمان ائمه علیه السلام رفتارها بنا به شرایط متفاوت بوده است، در مورد رسول الله ﷺ نیز دو روایت و دو رفتار متفاوت داریم. در بعضی از سال ها «عفا عما سوى ذلك» می کردند و در بعضی سال ها «جَعَلَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الصَّدَقَةَ فِي كُلِّ شَيْءٍ أَنْبَتِ الْأَرْضُ».

ما عرضمان این است که در وجه جمع بعضی از روایات متعارض، یعنی یکی از مطالبی که گاهی از ذهن فقها می رود و به آن توجه نمی شود، این نکته است که می تواند بعضی از احکام، سلطانی باشد. لازم نیست برای حل تعارض، حمل بر استحباب کنیم. این حرف ماست.

و صلّى الله على محمد وآله الطاهرين